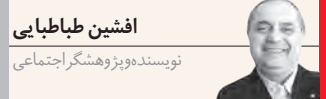


## خانواده، دژ مستحکم انسان



نویسنده و روزهنشگر اجتماعی

اگر می‌خواهیم جامعه را از نظر امنیت، کاهش اضطراب عمومی، زشتی‌ها،ناهنجاری‌های اجتماعی و امثال آن، پاک و آراِمین‌ساخته و فضا را برای رشد کودکان و نوجوانان مساعد و سلامت‌سازیم، باید آموزش و تغیر الگوهای ذهنی و گرایش به سمت مثبت‌نگری را از هستهٔ خانواده‌ها، زوج‌های جوان، دختران و پسران آغاز کنیم. اولین معلم هر انسان، مادر اوست. مادران می‌توانند با تدبیر و درایت، درهای بهشت را به روی فرزندان باز کنند یا دروازه‌های جهنم را. مطالعات دانشمندان نشان داده، برای جلوگیری از گسترش آسیب‌های اجتماعی تنها باید نیمی از خانواده را مستحکم بخشید. مادران و زنان به‌عنوان کارگردانان اصلی این میدان، تأثیری شگرف بر بستر مناسب تربیت و پرورش دارند. حضور زنان در محوریت خانواده امر واجبی است. خانواده‌هایی که از این نعمت بی‌بهره‌اند، آسیب‌های زیادی بر آنان وارد می‌شود. خانواده اولین کانونی است که کودکان از آن مذهب اخلاق، روش‌های ارتباط و نگرش را یاد می‌گیرند. چون کودکان هزاران ساعت را در تعامل با خانواده می‌گذرانند. در حقیقت خانواده، کانون یادگیری، چگونه اندیشیدن و چگونه زیستن است.

طبق نظریه یادگیری مشاهده‌ای، مثبت‌اندیشی نیز از خانواده آموخته می‌شود. البته خود ساختار خانواده نیز تا حدی از جامعه تأثیرپذیر است اما نه هر خانواده‌ی خانواده‌ مثبت‌اندیشی اعضای خانواده خود را قادر و توانا می‌داند و نگاهشان به دیگران آکنده‌از مهر و عاطفه است. چنین خانواده‌هایی قادر خواهند بود هر ناممکنی را به ممکن تبدیل کنند و توفیق و کمکاری را نصیب خود کنند. از نظر جامعه‌شناسان، نیازهای یک انسان به امنیت و آسایش باید کم و بیش ارضا شود تا او انگیزه تلاش برای کسب موفقیت شغلی یا یادگیری مهارت‌های روز شغسی، فنی و اجتماعی را بیابد. در نتیجه برای این که یک خانواده سالم بتواند تمامی نیازهای افراد خود را برآورده سازد، باید ویژگی‌های ممتازی داشته باشد. خانه خانواده باید محل سکون و آرامش باشد نه محل فرسایش. بی‌شک در خُلفه‌ای که محل آرامش برای افراد خانواده نیست(تنش و اصطکاک زیاد است) مشکلات رخ می‌نماید؛ در همه‌ی خانواده‌های خوب که برای برطرف کردن سختی‌ها و باز کردن گر‌ها تلاش کنند، اگر همه اعضای خانواده به وظایف الهی و اخلاقی خود عمل کنند، بدون تردید خانه به محلی امن و سرشار از آسایش و آرامش تبدیل می‌شود. اگرمان خجسته این آسایش، آرامش خشیدن به افراد خانواده است که چه‌بسا در بیرون مشکلاتی دارند اما در خانه و میان دیگر اعضا آن را فراموش می‌کنند. در پرتو خانواده‌های آرام است که فرزندانی رو به فرای جامعه، انرژی‌های جدیدی را کسب می‌کنند و همچنین در برابر ناهنجارهای اجتماعی؛

### نگاه

**ادامه از صفحه ۹ | عقاید قالبی جامعه‌شناسان**

**خانواده ایرانی در باب خانواده در ایران**
• اولین پیش فرض یا اولین عقیده قالبی آن که در ایران جامعه‌شناسان خانواده نسبت به خانواده دارند و توسط آنها و افراد مختلف تکرار می‌شود، این است که خانواده مقدس است. تقریباًغالب جامعه‌شناسان خانواده‌این نظر را دارند.بنده‌باین پیش فرض کاملاًمخالف‌و معتمدکم که خانواده‌امری اجتماعی است که نوعی از روابط اجتماعی، آن را تشکیل می‌دهد و روابط اجتماعی دایما مسأله‌دار هستند. تمامی روابط اجتماعی و اشکال مختلف آن، دچار مسأله‌و گاهی بسیار بحرانی‌و مشکل‌ساز می‌شوند. یک امر، جهت مقدس بودن باید۳ ویژگی داشته‌باشد: در ذات خودش مقدس باشد؛ یا تقدس خود را از چیز دیگری گرفته باشد یعنی به آن منتقل شده؛ یا آن چه مقدس دانسته می‌شود باید خیلی حیاتی باشد و نقش مهم و تأثیر گذاری را جامعه داشته باشد. ادعاهایی که اینها می‌کنند هیچ کدام نشان نمی‌دهد که خانواده چنین ویژگی‌هایی داشته باشد. برعکس بنده معتقدم که دلایل زیادی وجود دارد که نشان می‌دهند که نه‌تنها خانواده مقدس نیست بلکه گاهی بسیار رنج‌آور و عذاب‌آور نیز هست. به‌عنوان مثال، در یکی از تحقیقاتی که اخیراً در مورد رؤ‌نگویی انجام دادیم و نمونه‌های ما خانم‌های خانه‌دار، کارمندان و شغل آزاد بودند؛از آنها پرسیدیم که کدام موقعیت‌بهشترین رؤ‌ر، را گفته‌اند همه آنها بدون استثنا گفتند در خانواده. در درجه اول به همسرشان و در درجه دوم به پدر و مادرشان. یعنی در وقتی پرسیدیم بدترین رؤ‌ر را از کی شنیده‌اید تقریباً همه (غالب‌بشان) گفتند از همسرشان. چنین چیزی نشان می‌دهد که خانواده جایی است که بیشترین رؤ‌ر‌ها در آن گفته می‌شود. مسورد دیگر، تنش‌های متعددی است که در خانواده وجود دارد. طبق آمار رسمی، قتل‌ها و فجایعی در خانواده رخ می‌دهد که قابل اعتناست. همه اینها نشان می‌دهد که چیزی در خانواده وجود ندارد که ما آن را مقدس بکنیم؛ بلکه خانواده هم بخشی از حیات اجتماعی است، نه نافته جداافتاده دیگر بخش‌های جامعه که بخواهیم آن را مقدس تلقی کنیم.
• عقیده قالبی دوم که تقریباً همه جامعه‌شناسان خانواده به‌ویژه دکتر آزاد ارمرکی بدان تأکید دارند این است که خانواده محیط امن و آرام است و لذا بر حیات بیرون از خانواده مرجح است. دکتر آزاد ادعا می‌کند در خانواده احترام به بزرگان، توجه به فرزندان، پیوندهای نسلی و... وجود دارد و همچنان خانواده نقش‌های مثبت خود را به سباق سابق ایفا می‌کند. در حالی که خواهی گفت اصلاً چنین نیست و خانواده در ایران – در موارد معنایی-حنیایی پر از تعارض است.

**•عقیده قالبی سوم** که از این ۲ عقیده قالبی مذکور ناشی می‌شود (یعنی نتیجه منطقی اینهاست) حتی اگر فرد آن را بر زبان نیاورد( این است که طلاق (جدایی) امری فاجعه‌آمیز و اهریمنی است. اگر خانواده مقدس است و اگر جای امن و آرامی است، پس جدایی، فاجعه است. شوهر است. بنده معتقدم این که جزو عقاید قالبی است که عوام براساس یک سری از روایات، اندیشه‌هایی را مطرح می‌کنند و طلاق را به‌شدت امری زشت و بد تلقی می‌کنند. کسانی مانند دکتر شکرپیگی از سونامی طلاق صحبت کرده‌اند. روششن که بنده با این عقیده قالبی همه(با دلایل مخالف: ۱) گسست یک رابطه در دل آغاز و اعتقاد هر رابطه اجتماعی مندرج است: ۲) اگرچه طلاق آثار سوء و منفی‌ای دارد و می‌بایست آنها را جدی گرفت، اما تا گاهی جدایی بر تداوم رابطه میان زن و شوهر ترجیح دارد. مثلاً مواردی که به‌قتل خانوادگی انجامیده است طلاق بسیار مفیدتر و انسانی‌تر بود. (لذا اندام عاقل

راه‌حل‌های عقلانی را به‌تایو تبدیل نمی‌کند.)
**•عقیده قالبی چهارم** این است که تقریباً تمام جامعه‌شناسان خانواده به‌ویژه دکتر آزاد ارمرکی تأکید دارند که تحولات خانواده را بر اساس یک «دو وجهی» (دو وجهی فروپاشی / تداوم) تصویر کنند. به نظر می‌آید که این دو وجهی از غرب گرفته شده است. از آثار قدیمی‌تر غربی‌ها – چه در اواخر قرن نوزدهم و چه در بعد از جنگ جهانی دوم- گویا بحثی بوده است در باب این که خانواده در حال فروپاشی است و وضع خانواده در دوگانگی مورد بحث قرار گرفته‌است. دوگانه فروپاشی و تداوم. دکتر آزاد و دکتر محسنی از این دو وجهی استفاده کرده و تأکید کرده‌اند که آنچه در غرب اتفاق افتاده، در ایران اتفاق نیفتاده است. در ایران بحث فروپاشی خانواده وجود ندارد و خانواده همچنان مستحکم و محکم (لفظ محکم تعبیر آقای دکتر حمیدرضا جلایی‌پور در بحث اخیر در باب خانواده در انجمن جامعه‌شناسی ایران است). بنده تصور می‌کنم که در ایران یک نفر صحبت می‌کند و بقیه افراد، آن را تکرار می‌کنند؛ یا در واقع این عملکرد همان عقاید قالبی است که بر اذهان حکمفرما می‌شده است. دکتر آزاد تأکیدات تندی مبنی بر عدم فروپاشی دارند که بنده نوشته‌ایشان استنادی نمی‌گردد «توجه به بحث در خانواده ایرانی به زمانی بزمی کرد که بسیاری از منتقدان فرهنگ‌از جمله ایرانی و برخی از اصحاب علم و اشتغال مشغول بافتن شواهدی بر ویرانی خانواده و فرهنگ و فروپاشی خانواده ایرانی بودند. وظیفه ما بر داشتن بار از دوش خانواده است نه به سلاخی برون آن.» دکتر آزاد در این‌جا در مقام یک مصلح سخن گفته است: «زمان دفاع از خانواده ایرانی فرارسیده‌است. دفاعی که فضای آرام ایجاد کند و راهی در بازشناسی وضع فعلی آن باشد.»

ایشان به گونه‌ای بحث را پیش برده‌اند که گویی نیروهای اهریمنی از خانواده بسد می‌گویند و خانواده را در حال فروپاشی می‌دانند و بعد نتیجه گرفته‌اند که فروپاشی‌ای در کار نیست و خانواده همچنان تداوم دارد. لذا مشکل خاصی نداریم. همین را در کار دکتر محسنی هم دیده‌ام که با ایسن دو وجهی به تحولات خانواده می‌پردازند. این نگاه دو وجهی عقایدی قالبی می‌سازد که گویی نمی‌توان ششق ثالی بدان افزود و نمی‌توان صورتبندی دیگری از آن آرایه کرد. شاید در تبیین لزومی نداشته باشد از تداوم و فروپاشی صحبت کنیم و بتوان از مفاهیم دیگری استفاده کرد؛ چرا که در این دو وجهی، پذیرش اولی، نفی دومی و نفی اولی، پذیرش دومی را در بردارد. این نوع نگاه، وضع خانواده را در ایران پنهان کرده و مانع از دیدن در ست شرایط خانواده در ایران شده‌است؛ اما دگر از آثار ابتدا تا انتها از کار کرد خانواده و تداومش و نیز نقش مثبت آن می‌گوید.

**• ریشه مسائل خانواده را با دوران گذار تبیین کردن:** برخی از جامعه‌شناسان و نه دکتر آزاد مسائل خانواده را به دوران گذر پیوند می‌دهند. بحث قالبی دیگری به نام سنت و مدرنیته، این دو گانه جهت توضیح همه چیز در ایران لقلقه زبان اهالی علوم اجتماعی شده است؛ به‌طوری که می‌خواهند تمام مسائل را با این مفهوم توضیح دهند و ما هنوز نمی‌دانیم بالاخره سنت و مدرنیته چیست؟ به‌عنوان نمونه دکتر سید جواد طباطبایی با راه‌از این دو مفهوم استفاده کرده است؛ اما معنای دقیق این دو را نگفته‌اند(راست کم‌بنده ندیدام). مفاهیمی که ما به کار می‌گیریم باید ما به آرای اجتماعی داشته باشند. یکسری مفاهیمی که ششیت پیدا می‌کنند و چنان چماتی که بر سر هر چیز می‌توان زد یا به مثابه کلیدی که به هر قفلی می‌خورد اما هیچ دری را نمی‌گشاید.

**بیرونی قلمداد کردن خاستگاه مشکلات خانواده:** عقیده قالبی ششم این است که عموم مشکلات خانواده در ایران خاستگاهی بیرونی دارد. عموم جامعه‌شناسان خانواده ما به گونه‌ای سخن می‌گویند که گویی مشکل اصلی خانواده در ایران، علتی بیرونی دارد. در مقاله‌ای از دکتر آزاد که به لحاظ قلم و ارجاع‌دهی بسیار خوب است و بحث‌های خوبی هم دار، بحث هم‌خانگی (ازواج سفید) به نظام سرمایه‌داری جهانی و مدرن شدن ربط داده شده است. در حالی که در همین مقاله ذکر شده که در وهله اول – در ایران و سایر جوامع عامل اقتصادی به‌عنوان علت‌العلل هم‌خانگی بوده و بعد از آن، سایر امور دخیل بوده‌اند. یا به‌عنوان مثال دیگر، به عامل بیرونی مشل دخالت‌های دولت (دولتی شدن خانواده) اشاره می‌کنند که دکتر آزاد در این مورد مشخصاً به طرف استخراعی پرداختند و همه استادان حاضر در جلسه نظیر دکتر ساروخانی و دکتر شکرپیگی چنین سخنانی را تأیید کردند. همچنین برخی معضلاتی که دولت باید دخالت کند؛ مثلاً در کتاب «تأخیر ازدواج در ایران» از دکتر علی‌احمدی در رانگه‌هایشان می‌خواهد که دولت مداخله کند. در ریشه‌های مسائل خانواده، نیزه‌های بیرونی را پرزگنند و می‌دهند و این عقیده قالبی مانع از تمرکز بر خانواده و دیدن درست مسائل درونی آن می‌شود. چنین مسأله‌ای مانع از آن می‌شود که جامعه‌شناس ایرانی، به نفس رابطه زن و شوهر و پدر و مادر و فرزندان توجه کند. در رابطه‌ای مسائلی دارد. روابط اجتماعی در نفس‌شان مسائلی ایجاد می‌کنند. خانواده نیز به دلیل این که روابط تام در آن وجود دارد، یعنی زوجین در امور مختلف هم نظرات می‌کنند و در جزئیات زندگی می‌خورند و زندگی معمولاً وقتی در ایران خانواده تشکیل می‌شود دو طرف باید در کل روابط‌شان تجدیدنظر کنند. زن و شوهر باید روابط قبلی‌شان را حذف کنند و هر دو از نو روابط جدید برقرار کنند. خانواده در ایران نوعی روابط اجتماعی است؛ هست؛ دخالت در همه امور یکدیگر، نظرات بر همه امور یکدیگر. علت این که بیشترین دروغ در ایران در خانواده گفته می‌شود به خاطر همین روابط اجتماعی تام است. اهیمتی نمی‌دهند که طرف مقابل دنیای خصوصی خود

را داشته‌باشد. بعد از ازدواج هر دو باید روابط قبلی خود را حذف و از نو روابط جدیدی ایجاد کنند. بر اساس این قالب‌های فکری، این پیش‌فرض‌ها و عقاید قالبی، عینگی ساخته شده است که بر چشم جامعه‌شناسان خانواده ایرانی قرار گرفته و این عینک باعث شده است که این استادان و همکاران ما، خانواده را درست ببینند و نتوانند آن را به درستی به‌تصویر بکشند.

**جامعه‌شناسی خانواده در ایران**
اکنون در این‌جا پس از ذکر عقاید قالبی جامعه‌شناسان ایرانی به زبان و نحوه صورتبندی بحث‌های جامعه‌شناسی خانواده توسط جامعه‌شناسان ایرانی خانواده می‌پردازم تا به‌ویژگی‌های دیگر این جامعه‌شناسان اشاره کنم؛ که همه‌راو مکمل عقاید قالبی در نارس‌ت‌دیدن مسائل اجتماعی به‌ویژه خانواده‌اند:
**فقدان گزاره‌های علمی:** جامعه‌شناسان ایرانی عموماً و به‌ویژه در خانواده دچار مهم‌گویی، کلی‌گویی، ضدوقتیض‌گویی هستند و به‌بیانی، تحقیقات‌شان فاقد وجود دارد.

در جامعه ما طی سال‌های اخیر، به علت تغییر وضع سواد، سبک‌زندگی، کوچک‌شدن جمعیت خانواده، تکنولوژی، فرهنگ و موارد بسیار دیگری، موجب کوچک و هسته‌ای شدن خانواده



باجست‌وجود در کتاب ایشان این «سباری» که معتقدبه فروپاشی هستند مشخص نمی‌شود چه کسانی هستند. بعد می‌بینیم به نشریات و مطبوعات و روزنامه‌ها ارجاع داده می‌شود، در حالی که زورنالیست‌ها به‌لحاظ اشاعه علم مهم هستند نه تولید علم. حال چه در نشریات روشنفکری باشد و چه در روزنامه‌ها. این بحث تخصصی است و نباید به‌جور زورنالیست‌ها رفت.

در ادامه می‌نویسند: «باید نظام مفهومی جدیدتری یافت تا ضمن این که ابهامات فرضیه قبلی را دانشسته باشد، توانایی تبیین‌کنندگی بیشتری در مورد جامعه و انسان ایرانی معاصر را نیز داشته‌باشد. این نظام مفهومی را «نظام اجتماعی سه پایه» نامیده‌ام. نظام مفهومی اشاره شده بر اساس چندین فرض بنیادین طرح شده‌است:
۱. فرض اصلی بر استقلال حیات اجتماعی از حیات سیاسی استوار است. حیات اجتماعی امری حاصل ناشی از حضور، تعامل و اثر گذاری ۳ نهاد اجتماعی در طول تاریخ است.
۲. هر یک از نهادهای اجتماعی فوق نیز ضمن استقلال نسبی، مشارکت متفاوت در حیات اجتماعی ایرانی داشته‌اند.

۳. نظام اجتماعی سه پایه‌ای به منظور تحقق انسان جدیداست.
• **افسانه تعدد علل:** ما اوخته‌ایم که پدیده‌های اجتماعی علل گوناگونی دارند. اما در مقام تبیین، دانشمندان نمی‌توانند تمام علل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به‌عنوان شکلگیری قان خانواده برمسأله اجتماعی مطرح کنند. این بیان نمی‌تواند علمی باشد. دانشمندان باید یک زنجیره عللی مطرح کند؛ حال چه تحقیق کمی باشد چه کیفی. باید علل قریب و بعید را در این زنجیره مشخص کرد و میزان نفوذ هر یک از علل بر مملول مشخص شود. عموم کار جامعه‌شناسان ایرانی چنین است که همه علل را دخیل می‌دانند. مثلاً در مورد شوهرکنشی می‌گویند علل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در شکلگیری شوهرکنشی مؤثر است؛ یعنی همه چیز در شکلگیری شوهرکنشی مؤثر است؛

این دیگر حرفی علمی نیست. به‌طور مثال در کتابی در بررسی تأخیر ازدواج (عنوان کتاب «تنگنا و تأخیر ازدواج در ایران» است) آقای دکتر علی احمدی (جامعه‌شناس خود چنین فرضی ساخته‌و به جنگ آن رفته‌است؛ یا دیگری چنین فرضیه نامعتبری را ساخته و دکتر به جنگ آن رفته است. مشکل این است که دکتر آزاد ادعا می‌کند، اما اصلاً راجع نمی‌دهد؛ یا به‌طور مثال می‌گوید: «سباری» گفته‌اند که خانواده در حال فروپاشی است؛ اما

قبول کنیم، این داعیه‌ها عبارتند از:
یاتر، یعنی نالیسم در چارچوب نظریه مارکس وبر، استبداد آسیایی منبعت‌شده از نظام فکری مارکسی، پدرسالاری قدیم و جدید ناشی از سنت تلفیقی مارکسی و وبری و... توجه به شواهد موجود در جامعه جدید ایرانی مبنی بر نوسازی اجتماعی و فرهنگی، سهم‌آفرینی روشنفکران، سیاستمداران در حوزه دولتی، اهمیت دینداران و سکولارها

در خانواده حکایت از حرکت جدید جامعه ایرانی دارد. با توجه به این شواهد است که فرض خانواده معادل جامعه ایرانی یا تنها عامل سازنده آن ساده‌انگاری است.

نمی‌دانم چه کسی چنین فرضی کرده‌است که دکتر آزاد به جنگ این فرض رفته‌است. نمی‌شناسم کسی را که جامعه ایران را معادل خانواده بداند. یا دکتر آزاد خود چنین فرضی ساخته‌و به جنگ آن رفته‌است؛ یا دیگری چنین فرضیه نامعتبری را ساخته و دکتر به جنگ آن رفته است. مشکل این است که دکتر آزاد ادعا می‌کند، اما اصلاً راجع نمی‌دهد؛ یا به‌طور مثال می‌گوید: «سباری» گفته‌اند که خانواده در حال فروپاشی است؛ اما

شده است. روابطی که پیشتر بر نهاد خانواده حاکم بود، متکی بر عواطف و مشارکت بود و این مشارکت و همبستگی میان افراد خانواده، موجب شکلگیری خانواده با روابط خاص خود



با حضور تقی آزاداره

# مباحثه‌ای «جامعه‌شناسی خ

# مباحثه‌ای «جامعه‌شناسی خ

۱. فرض اصلی بر استقلال حیات اجتماعی از حیات سیاسی استوار است. حیات اجتماعی امری حاصل ناشی از حضور، تعامل و اثر گذاری ۳ نهاد اجتماعی در طول تاریخ است.

۲. هر یک از نهادهای اجتماعی فوق نیز ضمن استقلال نسبی، مشارکت متفاوت در حیات اجتماعی ایرانی داشته‌اند.

۳. نظام اجتماعی سه پایه‌ای به منظور تحقق انسان جدیداست.

۴. فرض اصلی بر استقلال حیات اجتماعی از حیات سیاسی استوار است. حیات اجتماعی امری حاصل ناشی از حضور، تعامل و اثر گذاری ۳ نهاد اجتماعی در طول تاریخ است.
۲. هر یک از نهادهای اجتماعی فوق نیز ضمن استقلال نسبی، مشارکت متفاوت در حیات اجتماعی ایرانی داشته‌اند.
۳. نظام اجتماعی سه پایه‌ای به منظور تحقق انسان جدیداست.
• **افسانه تعدد علل:** ما اوخته‌ایم که پدیده‌های اجتماعی علل گوناگونی دارند. اما در مقام تبیین، دانشمندان نمی‌توانند تمام علل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به‌عنوان شکلگیری قان خانواده برمسأله اجتماعی مطرح کنند. این بیان نمی‌تواند علمی باشد. دانشمندان باید یک زنجیره عللی مطرح کند؛ حال چه تحقیق کمی باشد چه کیفی. باید علل قریب و بعید را در این زنجیره مشخص کرد و میزان نفوذ هر یک از علل بر مملول مشخص شود. عموم کار جامعه‌شناسان ایرانی چنین است که همه علل را دخیل می‌دانند. مثلاً در مورد شوهرکنشی می‌گویند علل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در شکلگیری شوهرکنشی مؤثر است؛ یعنی همه چیز در شکلگیری شوهرکنشی مؤثر است؛

این دیگر حرفی علمی نیست. به‌طور مثال در کتابی در بررسی تأخیر ازدواج (عنوان کتاب «تنگنا و تأخیر ازدواج در ایران» است) آقای دکتر علی احمدی (جامعه‌شناس خود چنین فرضی ساخته‌و به جنگ آن رفته‌است؛ یا دیگری چنین فرضیه نامعتبری را ساخته و دکتر به جنگ آن رفته است. مشکل این است که دکتر آزاد ادعا می‌کند، اما اصلاً راجع نمی‌دهد؛ یا به‌طور مثال می‌گوید: «سباری» گفته‌اند که خانواده در حال فروپاشی است؛ اما

شده است. روابطی که پیشتر بر نهاد خانواده حاکم بود، متکی بر عواطف و مشارکت بود و این مشارکت و همبستگی میان افراد خانواده، موجب شکلگیری خانواده با روابط خاص خود

## «زمان» و «زبان» متفاوت اعضای خانواده

**| اردشیر گراوند | جامعه‌شناس |**

شده است. روابطی که پیشتر بر نهاد خانواده حاکم بود، متکی بر عواطف و مشارکت بود و این مشارکت و همبستگی میان افراد خانواده، موجب شکلگیری خانواده با روابط خاص خود

### زناوه

خانواده همواره دارای تعریف مشخص و معینی بوده و آن عبارت است از: مجموعه افرادی که از طریق ازدواج یک مرد و یک زن یا یکدیگر ارتباط دارند و در صورت داشتن فرزند، نهاد خانواده با داشتن رابطه خونی میان افراد، تعریف می‌شود؛ کوچکترین واحد خانواده، متشکل از دو نفر است که نام «زن» و «شوهر» به آنها اطلاق می‌شود. در هر صورت، ممکن است در سال‌های مختلف، کمی شکل متفاوتی به خود بگیرد، اما همواره تعریف و دامنه مشخص و ثابتی بر آن